

## تبیین و بررسی رابطه عقل و دین از دیدگاه کی‌یرگور

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۲

تاریخ تأیید: ۹۳/۳/۸

سیدمصطفی موحدی اصل\*

**چکیده:** مسئله «رابطه عقل و دین»، یکی از مباحث مهم جهان اسلام و مسیحیت به شمار می‌آید که همواره معرکه آراء متفکرین بوده و به شکل‌های گوناگون، در حوزه‌های متفاوت فکری با نام‌هایی همچون «رابطه عقل و وحی»، «رابطه عقل و ایمان» و «رابطه عقل و وحی» مطرح گردیده است. در میان اندیشمندان مسیحی، «سورن کی‌یرگور»، ایمان‌گرایی و مخالفت با عقل را به شیوه افراطی، پایه ریزی نمود. بنیان فکری ایمان‌گرایی وی، بر مخالفت با عقل و کوتاه نمودن دست آن از دخالت در دین، طرح‌ریزی گردیده است. به نظر کی‌یرگور؛ اساس دین، شورمندی است و شورمندی دینی با عقل و تحقیقات آفاقی در تضاد است. مهم‌ترین نقش در ایمان آوردن افراد را جهش و اراده شخصی افراد می‌داند و می‌گوید: تکیه بر عقل و عقلانی کردن آموزه‌های دینی، باعث زوال دین می‌گردد و لذا در سه حوزه وسیع مسئله رابطه عقل و دین (نقش عقل در اثبات دین، نقش عقل در تبیین دین و نقش عقل در توجیه و دفاع از گزاره‌های دینی)، قائل به عقل‌ستیزی گزاره‌های دینی است.

کلید واژگان: عقل، دین، ایمان، کی‌یرگور، ایمان‌گرایی، اراده‌گروی.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

سخن می‌گفت و این مرحله از زندگی‌اش همان مرحله‌ای بود که بعدها در فلسفه‌ی خود، به آن عنوان مرحله «استتیک» یا سپهر زیبا شناختی داد. (مستعان، ۱۳۸۶، ص ۶۱)

در ماه ژوئن سال ۱۳۸۶م، نوعی تحول اخلاقی در وی پدید آمد و سعی کرد از قوانین و اصول اخلاقی پیروی کند. در ۱۹ ماه مه (سالی که پدرش وفات کرد) کی‌یرکگور دوباره به دین روی آورد. عبادت را از سر گرفت و در سال ۱۸۴۰م، امتحان الهیات را گذراند. (هابن، ۱۳۴۸، صص ۱۹-۲۳)

قرن ۱۹، جهان غرب، عصر حضور فلاسفه‌ی بزرگی چون «هگل»، «شلینک»، «مارکس»، «شوپنهار» و «نیچه» در کشور آلمان بود. فلاسفه‌ی دیگری نیز چون «چالز داروین» و «هربرت اسپنسر» در کشور انگلیس اندیشه‌های خود را مطرح می‌کردند، اما در این دوره، تفکر رمانتیسم و تفکر فلسفی هگل، سراسر جهان غرب را در نوردیده و بر اندیشه‌های دیگر غالب شده بود. (فروغی، ۱۳۸۷، ص ۴۸۸)

کی‌یرکگور هنگام تحصیل در دانشگاه، با افکار هگل آشنا شد و شیفته‌ی عقاید او گردید اما در ادامه به مخالفت با او پرداخت. آن چه در نظام فلسفی هگل پدیدار بود، کلی‌گرایی بی‌حد و حصری بود که نظام فلسفی او را کاملاً انتزاعی کرده بود. به علاوه این که هگل این نظام فلسفی را با دین مسیحیت ممزوج کرد و معتقد شد؛ برای فهم دین باید به فلسفه پناه برد. انتقاد کی‌یرکگور از هگل، بیشتر متوجه همین نظرپردازی‌های انتزاعی وی است که فردیت واقعی را زایل ساخته و آن را در مطلق ادغام می‌کند. کی‌یرکگور اصالت عقل رسمی و اصول تفکر منطقی هگل را مردود و باطل می‌داند و با هر فلسفه‌ای اعم از دینی و غیر دینی مخالفت می‌ورزد؛ به این دلیل که مدار فلسفه‌ی آن‌ها در شناخت امور، ماهیت و صور کلی ذهنی است



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

دارد و عقل را یارای دسترسی به دین نیست بلکه وصول به حقیقت، تنها در پرتو علم حضوری و از راه تماس بی واسطه ممکن است.

کی‌یرکگور در اندیشه‌های خویش، انواع زندگی‌ها را در افراد مختلف بررسی کرده و مراحل حیات سه گانه را در آن طرح‌ریزی می‌کند. سپس توضیح می‌دهد که هر انسانی چگونه خود را از محدودیت‌های زندگی خویش جدا کرده، هستی ناب خویش را در می‌یابد و زندگی همراه با عشق و محبت را در زندگی خویش با تجربه‌ی حضوری به دست می‌آورد.

#### سپهرهای حیات

کی‌یرکگور مراحل زندگی را در فضای فلسفه‌ی اگزیستانسیالیسم خود مطرح کرده و از آن مراحل، با عنوان‌هایی مثل: فلسفه‌های حیات، نواحی وجود، سپهرهای وجودی و تقررهای وجودی تعبیر می‌کند. (فریتهوف، ۱۳۸۲، ص ۲۶)

به نظر وی، انسان در طول حیات خویش، سه مرحله حیات و زیست دارد (خلیل پوستینی، ۱۳۹۰ ص ۱۰۴). زیرا زندگی به گونه‌ای است که انسان یا برای خود زندگی می‌کند یا برای دیگران و یا برای خدا. وی هر کدام از این سه گزینه را به ترتیب، «مرحله‌ی زیباشناختی»، «مرحله‌ی اخلاقی» و «مرحله‌ی دینی یا ایمانی» نام می‌گذارد. هر کدام از آنها، شرایط و ویژگی‌های مخصوص به خود دارد که به طور جداگانه آن‌ها را ذکر می‌کنیم.

#### سپهر زیباشناختی

به این مرحله، مرحله‌ی استحسانی، تذوقی، استتیک و زیباشناختی نیز می‌گویند و این مرتبه‌ای از حیات زیستی انسان است که شخص فقط برای ارضای آرزوهای شخصی خود زندگی می‌کند. (همان، ص ۱۰۴)



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علوم انسانی

خوشی و ناخوشی، زیبایی و زشتی، علاقه و بیزارى هدایت نمی‌شود، بلکه زندگی فرد اخلاقی تحت سلطه‌ی مقوله‌های خیر و شر یا همان مقوله‌های اخلاقی است. فرد اخلاقی (بر خلاف فرد استحسانی که تابع نفس خویش بود) صاحب نفس خویش است و بر عادات و احساسات و محیط‌های خارجی حکومت می‌کند. (فریتهوف، ۱۳۲، ص ۲۶-۵۳)

سپهر اخلاقی، مجموع قوانین منسجم برای پی‌ریزی خیر و خوبی در اجتماع است. زندگی شخص اخلاقی معنادار می‌باشد، شخص باید خود را با جامعه هماهنگ کرده و مصلحت اجتماع را بر منفعت خویش مقدم بدارد. (جینیس الن، ۱۳۸۹، ص ۷۳)

کی‌یرکگور در مقایسه‌ی سپهر زیبایی شناختی و اخلاقی می‌گوید: زندگی اخلاقی شغل در برابر بیکاری و از این شاخه به شاخه‌ی دیگر پریدن است. بنابراین شخص اخلاقی، خواهان تکرار بوده و همچون شخص متذوق به دنبال دوری جستن از تکرار نیست. همچنین می‌گوید: زندگی اخلاقی مانند ازدواج در برابر عشق‌های خیابانی و استحسانی است. ( , v2, 1843 Ermita.p.166)

#### سپهر دینی

سپهر دینی سپهری است که در آن، انسان به اعلی درجه‌ی هست بودن می‌رسد. این سپهر مبتنی بر ایمان است و خصوصیت بارز آن، رنج و محنت است. ایمان یک نوع شناسایی نیست؛ حرکت با شور و شوق اراده به طرف سعادت ابدی است که همواره انسان خواستار آن است. ارتباط با خدا و اطاعت از او، شناخته‌ترین امر در زندگی دینی است. کی‌یرکگور می‌گوید: این زندگی زودگذر دنیا، هیچ معنایی ندارد مگر این که آن را با خدا ربط دهید زیرا سعادت شخص در زندگی، با ایمان به خدا و امید به ابدیت است. (پورمحمدی، ۱۳۱۳۹۰، ص ۱۷۸)



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني



براهین زیادی برای اثبات خداوند ذکر می‌کردند، اما کی‌یرکگور به این شیوه پشت پا زده و راه رسیدن به زندگی دینی را جهش ایمانی و سیر انفسی می‌داند.

وی معتقد است: دین رسمی مسیحیت با دین حقیقی‌ای که عیسی مسیح بنیاد گذاشته بود فاصله‌های بسیاری دارد و به طور کلی، کی‌یرکگور با مسیحیت رسمی کلیسایی به شدت مخالفت کرده و آن را خلاف حقیقت دین می‌داند و معتقد بود: اصحاب کلیسا، فقط ظاهر و پوسته‌ی مسیحیت را به مردم تعلیم می‌دهند و لذا می‌گفت: دشمنی قاطع و صریح با دین، بسیار بهتر از چنین مسیحیت قلابی و سست و وارفته‌ای است. (پورمحمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۷) از دیدگاه وی، دین حقیقی چند ویژگی دارد که دین فعلی مسیحیت از آن عاری است.

۱- دیندار شدن

۲- دشواری دینداری

۳- رابطه تن به تن با خدا

وی در مقابل تفکر رایج از دینداری زمانه‌ی خود درباره‌ی مسیحی بودن، سهولت مسیحیت و نظام‌های سازمان یافته دینی، این سه مقوله را ذکر کرده است. مسیحی شدن، صعوبت مسیحیت و رابطه‌ی تن به تن داشتن.

۱- دیندار شدن

در مراسم دینی، رهبران دینی به مردم قوت قلب می‌دادند تا مردم باور کنند پیرو دین پدر و مادر خود هستند و از هنگام تولد، مسیحی و دیندار به دنیا می‌آیند. کی‌یرکگور این شیوه را نمی‌پذیرد. وی معتقد بود: باید دیندار شد و برای پیوستن به یک دین، تمهیداتی لازم است و صرف این که کسی در منطقه‌ای مسیحی به دنیا بیاید و در کلیسای دولتی ثبت نام کرده و



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني

### ۳- رابطه‌ی تن به تن با خدا

کی‌یرکگور فرض اصلی دین سازمان‌یافته را قبول نداشت و نمی‌پذیرفت که دینداری، فعالیت‌های جمعی باشد. وی معتقد بود: دیندار شدن، مستلزم برقرار کردن رابطه‌ی تن به تن با خداست و چیز دیگری نمی‌تواند به برقراری چنین رابطه‌ای کمک کند. وی از این که انسان بخواهد خدا را به طور رسمی عبادت کند و یا در یک نهاد دینی‌ای همانند کلیسا تحت تربیت دینی قرار بگیرد بسیار تعجب می‌کند و بر این باور است: با شرکت کردن در مراسمات دینی و مذهبی، نمی‌توان دیندار شد و لذا کلیسا را به عنوان یک نهاد دینی نمی‌پذیرد و می‌گوید: اگر کلیسا حذف شود و نباشد بهتر است. اربابان کلیسا و کشیشان، آخرین بقایای سرمایه‌ی مقدس ایمان را بر باد داده‌اند. عبادات کلیسا و شعائر آن، کریه‌تر از کفر جلی و دزدی است. اربابان کلیسا، خدا را احمق تلقی کردند» (مسعان، ۱۳۸۶، ص ۷۴). وی معتقد است که انتزاع و کل، فرد را نابود می‌کند. وی می‌گوید: «به واسطه‌ی بی‌همتایی و بزدلی در برابر هست بودن است که مردم می‌خواهند تحت لوای جماعت ذوب در توده بشوند... اگر انسان عنان اختیار خویش را در دست نداشته باشد و با جمعیت و توده برود، به یک معنا اصلا وجود ندارد».

(Kierkegaard, 1962, P.130)

### چیستی ایمان

همان‌طور که ذکر کردیم کی‌یرکگور در مورد رابطه عقل و دین، قائل به نظریه‌ی ایمان‌گرایی است و ایمان‌گرویی خود را به صورت‌ی افراطی در آثار خویش هویدا می‌کند. وی قائل به عدم هر گونه دخالت عقل در امور دینی شده و قائل است: امور دینی تنها با ایمان، قابل فهم و درک هستند و اساس دین را همان ایمان درونی می‌داند و دین سازمان‌یافته را قبول ندارد. وی معتقد است: در طول تاریخ، برداشت نابجایی از ایمان صورت گرفته شده است



تصمیم شخص به گزینش شورمندی بی حد و حصر، در عین بی‌یقینی آفاقی فرا چنگ می‌آید. ایمان در این نظرگاه، خصوصیات و عناصر خاصی دارد که آن‌ها را ذکر می‌کنیم.

### ۱- تضاد با عقل

مهم‌ترین ویژگی ایمان، ضدیت و تنافی با عقل و بررسی آفاقی است. به نظر کی‌یرکگور در مسیحیت، هیچ چیز عقلانی نیست چون هر امر عقلانی باعث تباهی ایمان می‌شود لذا هر کس ایمان خود را بر اسناد و مدارک عینی یا عقلانی سامان دهد، دچار اشتباه است؛ زیرا عقل و دانش، شخص مؤمن را نه تنها از وظیفه‌ی اصلی خویش، که گام نهادن در مسیر ایمان است باز می‌دارد، بلکه او را از آن مسیر دورتر می‌کند. «دانش همچون اژدهایی بر آستان خانه‌ی ایمان نشسته است و او را تهدید به بلعیدن می‌کند و او را در ایمان و سرسپردگی خود، دچار ضعف و تردید می‌کند» (کی‌یرکگور، ۱۳۷۴، ص ۶۷)

بنابراین ایمان علاوه بر این که نیازمند دلیل و برهان نیست، دشمن برهان نیز هست. زیرا عقل با چهره‌ی حق به جانب خود، تنها به تردستی و شعبده‌بازی مشغول بوده و با قیافه‌ی حق به جانبی که از سیمای وی نمودار است سعی می‌کند مؤمن را به اشتباه بیندازد. (مستعان، ۱۳۸۶، ص ۷۳)

### ۲- شورمندی

یکی از عناصری که وجود آن در ایمان، لازم است شور، هیجان و احساس دینی است که اساس دینداری و ایمان به حساب می‌آید. چون ایمان و دین از دیدگاه کی‌یرکگور مبتنی بر معرفت نیست لذا شورمندی را جایگزین آن کرد زیرا ایمان از تصمیم به گزینش شورمندی بی‌حد و حصر به همراه بی‌یقینی آفاقی، زاده می‌شود. وی می‌گوید: هدف مسیحیت این است که شدت شورمندی را به اوج برساند اما شورمندی، آنفسی بودن است و وجود آفاقی ندارد



#### ۴- اراده و جهش

کی‌پرگور اراده را در ایمان، جایگزین عقل نموده و معتقد است: ایمان نوعی رویکرد آنفسی است که تنها در خلأ معرفتی امکان می‌یابد و در هر جایی که خلأ معرفتی وجود داشته باشد، عمل فرد به دانسته‌های آفاقی او وابسته نبوده، بلکه به اراده‌ی او وابسته است. ( 1967 (MacIntyre, Vol. 4 pp. 336-40

زیرا امکان ایمان آوردن و ایمان نیاوردن هر دو وجود دارد. در این میان، مؤمن کسی است که میان این دره‌ی معرفتی «جست ایمانی» یا همان «جهش ایمانی» می‌کند، بنابراین می‌توان گفت: جهش همان تصمیم و انتخاب لحظه‌ای ایمان است.

در مواردی که انسان عاری از معرفت نیست (مثل رویایی با مسائل ریاضی و منطقی)، کاملاً منفعلانه عمل خواهد کرد یعنی یا منفعلانه قبول می‌کند یا منفعلانه رد می‌کند و لذا در سیر آفاقی بحث اراده و جهش مطرح نیست. (پوستینی، ۱۳۹۰، ص ۷۶)

ایمانی که از انسان خواسته شده است ایمان آنفسی است و آن ایمانی است که با عزم و اراده‌ی فرد حاصل شود و اگر دلیل کافی برای تصمیم در باب موضوعی موجود باشد دیگر نیازی به عزم و اراده و شور و شوق نیست. مایکل پترسون با ذکر مثال، مفهوم جست و جهش ایمانی را این گونه بیان می‌کند: ایمان یعنی این که شما خود را متعهد سازید به درون ایمان جست بزنید، بدون این که هیچ دلیل و قرینه‌ی عقلی حاکی از صدق اعتقاداتتان در دست داشته باشید و بدون این که طالب چنین دلایلی باشید. فرض بگیرید که در یک روز سرد زمستانی در مراسم میهمانی‌ای شرکت کردید. یکی از دوستان شما برای این که به مجلس، هیجان و شور ببخشد، یک شرط‌بندی با شما می‌کند؛ چهل دلار به شما می‌دهد در صورتی که در تاریکی مطلق به درون استخر شنا شیرجه بزنید و این در حالی است که استخر در مکان



پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار



خود را از دست می‌دهد؛ وقتی به تدریج به حالی در می‌افتد که دیگر ایمانش نمی‌توان خواند، آن‌گاه به برهان محتاج می‌شود تا به وساطت او، جناح کفر حرمتش نهد» (کی‌یرکگور، ۱۳۷۴، ص ۶۸)

کی‌یرکگور با این مثال و دلایل دیگری که در ادامه‌ی مطالب خویش، به آن‌ها می‌پردازیم، مسیر رسیدن به دین را تنها سیر انفسی و ایمان دانسته است و عقل حسابگر را تخطئه می‌کند.

وی با توجه به بن‌بست‌هایی که دین مسیحیت در آن گرفتار آمده است (از جمله، آموزه‌ی تجسد که آموزه‌ای کاملاً غیر عقلی است)، معتقد شده است که نه تنها آموزه‌های دینی قابل درک نبوده، بلکه اساساً اثبات دین توسط برهان و عقل، غیر ممکن است و آموزه‌های دینی نه تنها قابل دفاع نیستند بلکه تبیین امور دینی به وسیله‌ی عقل، به‌إمحاء و از بین رفتن اساس دین و ایمان و شور ایمانی می‌انجامد. (کی‌یرکگور، ۱۳۷۴، ص ۶۸)

کی‌یرکگور معتقد است: حقیقت مسیحیت، امری عینی نیست. پس آن را نه می‌توان فهمید و نه می‌توان اثبات کرد زیرا دینداری یک رابطه‌ی وجودی و از مقوله‌ی هست بودن است. بنابراین ملحوظ داشتن آن از جهت نظری، برابر با نشناختن آن است. پس تنها باید با سیری انفسی با او رابطه‌ای تن به تن و عملی داشته باشیم. «مسیحیت یک دکترین فلسفی نیست که آن را با نظر پردازی‌های عقل بفهمیم، زیرا مسیح فیلسوف نبوده است و حواریون نیز یک جامعه‌ی کوچک دانشمندان تشکیل نداده بودند و مسیحیت به‌عنوان یک سیستم کوچکی که طبیعتاً به اندازه‌ی سیستم هگل خوب نیست، ارائه نشده است» (ژان وال، ۱۳۵۷، ص ۱۱۵)



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### ناسازگاری عقل و ایمان

عده‌ای از متفکرین، در باب نسبت و رابطه‌ی عقل و دین، جایگاه والایی هم برای ایمان درونی و هم برای عقل حسابگر قائل هستند اما کی‌یرکگور معتقد است: راه دین از جاده‌ی عقل نمی‌گذرد بلکه تنها راه رسیدن به آن، سیر آنفوسی ایمان و کنار گذاشتن عقل و فلسفه است. همچنین بر این باور است که عقل‌گرایی متضاد با ایمان و موجب افول و زوال ایمان خواهد شد. (کی‌یرکگور، ۱۳۷۴، ص ۷۸)

به نظر وی، در جامعه‌ی اهل ایمان، دو نوع انسان وجود دارد؛ یکی انسان ساده، مثل چوپان ساده‌دل که با شنیدن محتوای ایمان رابطه‌ی ذهنیت درونی وجودی را به سادگی می‌پذیرد و دیگری انسان فرهنگ یافته که به علت آشنایی با علوم عرضی، سخت به دنبال عینیت است و نمی‌تواند ایمان را قبول کند، زیرا به دنبال خدای عینی است که البته هرگز او را نمی‌یابد. (کی‌یرکگور، ۱۳۷۴، ص ۷۸)

کی‌یرکگور در اثبات ایمان‌گرایی خویش و کنار گذاشتن عقل، مطالبی را در کتاب تعلیقه غیر علمی نهایی، ذکر کرده است (رابرت آدامز نوشتارهای وی را در قالب سه برهان گردآوری کرده است: ۱- برهان تقریب و تخمین ۲- برهان تعویق ۳- برهان شورمندی) که آن‌ها را به شکل مبسوط ذکر می‌کنیم.

#### ۱- برهان تقریب و تخمین<sup>۱</sup>

این استدلال به نگاه و بررسی تاریخی مسیحیت مربوط می‌شود. به نظر کی‌یرکگور، کسی که می‌خواهد از دیدگاه تاریخی به حقانیت یا عدم حقانیت مسیحیت حکم کند، در واقع سعادت ابدی خود را بر معرفت‌زایی امور تاریخی مبتنی کرده است (همان، ص ۶۵). چنین

---

1. the Approximation Argument.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۲- برهان تعویق<sup>۱</sup>

دلیل دومی که کی‌یرکگور برای رد پژوهش آفاقی در دین مطرح می‌کند مربوط به مسائل علمی، عقلی و فلسفی است. وی در این جا مدعی شده است: سعادت ابدی خود را نمی‌توانیم بر اموری عقلی و فلسفی یا علمی مترتب کنیم زیرا چنین پژوهش‌هایی، همواره در حال تغییر و تبدیل هستند و امکان نقض و رد آن‌ها وجود دارد. بنابراین هیچ گاه یک گزاره‌ی علمی، ثابت و قطعی و برای همه‌ی زمان‌ها نمی‌باشد؛ به همین دلیل ما نمی‌توانیم منتظر بمانیم گزاره‌های علمی در طول زمان، در معرض نقض و إبرام قرار بگیرند و سپس اگر به نظریه‌ای جامع و کامل رسیدیم، آن‌گاه ایمان خود را بر آن نظریه مبتنی کنیم، زیرا لازمه‌ی این کار، به تعویق انداختن ایمان است تا زمانی که علم به گزاره‌ای قطعی در موضوع مورد پژوهش ما برسد (آدامز، ۱۳۷۴، ص ۸۵). به نظر کی‌یرکگور هنوز نظام کامل علمی‌ای به وجود نیامده است که به طور کامل، بشر در آن نتواند خدشه‌ای وارد کند. «گفتم صادقانه به من بگو: آیا این نظام عقلی واقعا تکمیل شده است؟ که اگر تکمیل شده است، من به خاک بیفتم؛ حتی اگر شلوارم خاکی و خراب شود. اما همواره جواب دریافت کردم که نه، هنوز نظام عقلی تکمیل نشده است و لذا زانو زدن من در برابر آن به تعویق می‌افتد» (Climacus ، 1992. P. 108). سخنان کی‌یرکگور در باب تعویق افتادن ایمان را نیز مکی توان در قالب برهانی چنین تنظیم کرد:

۱- ایمان دینی معتبر و موثقی نمی‌توان داشت مگر این که نسبت به آن التزام عملی و تامی داشته باشیم.

۲- التزام تام به تحقیقات علمی و عقلی (آفاقی) که همیشه راه تجدید نظر در آن‌ها باز است ممکن نیست (زیرا مستلزم تعویق ایمان است).

---

1. Postponement Argument.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني

نتیجه: یقین آفاقی و عقلی با اساس و گوهر دین ناسازگار است.

### تنافی شورمندی با یقین آفاقی

وی معتقد است: شورمندی تنها در جایی امکان دارد که هیچ گونه معرفتی وجود نداشته باشد. «روانشناسان عموماً وقتی که کسی چیزی را که می‌خواهد به دیده‌ی آفاقی می‌نگرد، نشانه‌ی قطعی از دست دادن شور می‌دانند. شور و باریک اندیشی معمولاً جمع ناپذیرند.» (پوستینی، ۱۳۹۰، ص ۸۴). پس در هر جایی که باریک اندیشی عقلی وجود داشته باشد شور نیست. رابرت آدامز معتقد است: حکم تنافی بین این دو، نزد کی‌یرکگور می‌تواند ناشی از دو دلیل دیگر نیز در تفکرات کی‌یرکگور باشد.

۱- به هر اندازه که یقین آفاقی در مسئله‌ای وجود نداشته باشد، به همان اندازه احتمال خطر در آن جا افزایش می‌یابد و این در حالی است که خطر کردن و مخاطره، یکی از لوازم و ارکان شورمندی است. به گونه‌ای که اگر خطری در کار نباشد، ایمانی نیز در کار نخواهد بود. «اما به خطر انداختن یعنی چه؟ مخاطره با بی‌یقینی هم بستگی دقیق دارد. وقتی یقین در کار است، مخاطره غیر ممکن می‌شود... اگر آن چه امید دستیابی به آن را از طریق به خطر انداختن چیزی دارم خود یقینی باشد، من خطر نکرده‌ام یا چیزی را به خطر نینداخته‌ام، بلکه به تعویض و مبادله دست زده‌ام» (آدامز، ۱۳۷۴، ص ۹۴)

بنابراین وقتی یقین آفاقی مستلزم رفع خطر است، همین‌طور مستلزم رفع شورمندی و ایمان نیز می‌باشد، زیرا خطر کردن، اصل و اساس شورمندی و ایمان است. از طرفی هر چه میزان خطر در ایمان و دین بیشتر باشد، یعنی یقین عقلی کمتری وجود داشته باشد، شورمندی عظیم‌تر بوده و باعث رقم زدن ایمان و التزام بزرگتری خواهد بود.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



۱- خردپذیر: خردپذیری امور دینی، به این معناست که عقل، امور دینی را می‌پذیرد و آنها را نیز تأیید می‌کند.

۲- خردگریز: به این معناست که عقل به دلیل عدم تسلط و احاطه، قادر به تشخیص حقیقت درباره‌ی آنها نیست ولی آنها را رد نمی‌کند.

۳- خردستیز: به این معناست که گزاره‌های دینی با گزاره‌های عقلانی در تضاد هستند و همدیگر را رد می‌کنند. (فناپی، ۱۳۸۹، ص ۲۶۸)

اکنون باید ثابت کنیم اندیشه‌های کی‌یرگور در باب دین و ایمان و موضع‌گیری‌های وی درباره عقل، در کدام گروه قرار می‌گیرد. واضح است که عقل، کارکردها و نقش‌های مختلفی می‌تواند در جنبه‌های مختلف داشته باشد.

۱- در مقام تعلیم گزاره‌های دینی؛

۲- در مقام استنباط گزاره‌های دینی از متون مقدس؛

۳- در مقام ایجاد هماهنگی و تلائم میان آنها؛

۴- در مقام تبیین و تفسیر گزاره‌های دینی؛

۵- در مقام دفاع از آنها؛

۶- در مقام اثبات گزاره‌های دینی؛

با بررسی مجموعه نظریات موافقان و مخالفان دخالت عقل در دین، به این نتیجه می‌رسیم که در سه کارکرد اول عقل، اختلافی وجود ندارد و تمام اختلاف‌ها یعنی محل نزاع



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته  
پرتال جامع علوم انساني

«قلمرو ایمان، کلاسی برای کودکان سپهر عقل، یا آسایشگاهی برای کند ذهنان نیست، ایمان خود سپهری به تمام است و هر گونه کج فهمی از مسیحیت را می‌توان در جا از تلاشی که برای تبدیل آن به یک آموزه و انتقال آن به سپهر عقل صورت می‌گیرد باز شناخت».

### دلایل عقل‌گریزی

در بحث عقل‌گریزی و ناممکن بودن تفسیر و تبیین دین براساس عقل، به نظر می‌رسد کی‌یرکگور به دو دلیل عمده، توجه داشته و سخنان مختلف و پراکنده‌ی وی، در باب عقل‌گریزی دین، پیرامون همین دو دلیل ارائه شده اند؛

### ابراهیم و ذبح فرزند خود

وی نمونه‌ی کامل ایمان را ابراهیم می‌داند و می‌گوید: ابراهیم در امور دینی خود، فقط به امر خدای خویش گوش فرا داده و در این راه، تمام تمایلات و حرف و حدیث‌های عقل حسابگر را زیر پا گذاشته است. زیرا ابراهیم برای اثبات ایمان خود، می‌خواست دست به کار غیراخلاقی بزند و فرزند خود را به قتل برساند و این از منظر عقل حسابگر، قابل قبول و قابل هضم نیست، اما برای شخص مؤمنی که تسلیم محض خداوند است قابل هضم است. «به واسطه ایمان بود که ابراهیم از سرزمین پدران خویش خروج کرد و مسافری غریب در ارض موعود شد. او چیزی را به جا گذاشت و چیزی را با خود برد؛ او فهم ناسوتی خویش را بر جا گذاشت و ایمان را با خود برد و گرنه آواره نمی‌شد و سفر را نابخردانه می‌شمرد.» (کی‌یرکگور، ۱۳۹۰، ص ۴۲)

به نظر کی‌یرکگور: بیان اخلاقی عمل ابراهیم این است که می‌خواست اسحاق را به قتل برساند، بیان دینی آن این است که می‌خواست اسحاق را قربانی کند» (اندرسون، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷). بنابراین سرگذشت ابراهیم نشانگر تعلیق عقل و امر اخلاقی است. لذا وی علاوه بر



متوقف بماند، به راستی وحشت و زندگی را درک کرده و سخن "داب" را فهمیده باشد که می‌گفت: سربازی که یکه و تنها، با تفنگی پر، در شبی طوفانی، کنار انبار باروت به نگهبانی ایستاده باشد، اندیشه‌های غریبی به سرش می‌زند» (کی‌یرگور، ۱۳۹۰، ص ۷۷). بنابراین طبق سخنان کی‌یرگور، نباید در تبیین امور دینی، به عقل رجوع کرد زیرا عقل با گزاره‌های دینی، در تضاد است، لذا هرگونه کوشش و تلاش برای تبیین دین، توسط عقل، به امحاء دین می‌انجامد.

### نقش عقل در اثبات دین

در این مرحله، سؤال این است که عقل بشری، چه نقشی در اثبات کردن دین و ایمان دارد؟ یعنی آیا دین را می‌توان با عقل اثبات کرد یا دین قابل پذیرش و اثبات با عقل بشری نیست و دینداران و مؤمنان نمی‌توانند دین خود را با عقل اثبات کنند.

کی‌یرگور معتقد است: از راه استدلال نمی‌توان دیندار شد. وی دلایل عقلی و نظری، و دلایل تاریخی را در اثبات حقانیت دین، ناکارآمد می‌داند. همچنین دلایل دیگری بر مخالفت و تضاد عقل با امور دینی در هنگام اثبات دین، ذکر کرده و عقل و دین را دو مقوله‌ی کاملاً جداگانه و متضاد می‌داند که اثبات هر کدام به نفی دیگری منجر می‌شود. بنابراین کی‌یرگور در این مرحله نیز، حکم به عقل ستیزی دین می‌نماید. برای اثبات عقل ستیزی وی، به چند دلیل می‌توان تمسک کرد؛

۱- اراده، تصمیم و جهش ایمانی، نقش اساسی در تفکرات کی‌یرگور دارد و براهین و شواهد آفاقی ناکارآمد می‌باشند، زیرا با توجه به مبانی فکری وی، ایمان نوعی رویکرد انفسی است که تنها در خلأ معرفتی امکان می‌یابد (پوستینی، ۱۳۹۰، ص ۷۶). وی پذیرش عقلانی دین را با عدم اراده‌ی شخصی، مساوی می‌داند و از طرفی قائل است که ایمان، سیر درونی و



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

اگر نمی‌بایست توسط عقل، به حقانیت دین و حقانیت ارتباط با دین حکم کنیم، در این صورت در مسئله رابطه عقل و دین قائل به عقل ستیزی گزاره‌های دینی خواهیم بود.

۴- در مباحث مربوط به ایمان و ناسازگاری آن با عقل، ذکر کردیم که طبق برهان تعویق، اگر کسی دین خود را بر امور عقلی و نظری یا تاریخی مترتب کند، این باعث می‌شود که وی، ایمان خود را به تعویق و تاخیر بیندازد و حتی در مواردی نتواند ایمان بیاورد (همان، ۷۰)

با دقت بیشتر در این برهان می‌توان فهمید: آن چه برای کی‌یرکگور اهمیت دارد، این است که دیندار شویم ولی چون آموزه‌های عقلی با عقل قابل اثبات نیستند، ایمان و دینداری شخص را به تعویق می‌اندازد. «وقتی من در طبیعت مذاقه می‌کنم تا خدا را کشف کنم، در واقع، قدرت مطلقه و حکمت او را در می‌یابم اما بسی چیزهای دیگر هم می‌یابم که آشفته‌ام می‌کنند» (همان، ص ۷۶)

از برهان تخمین و تقریب نیز چنین برداشت می‌شود که عقل در اثبات دین، ناکارآمد بوده و چیزی بیشتر از احتمال و گمان درباره‌ی دین نمی‌تواند به ما ارزانی کند.

همچنین سخنان کی‌یرکگور درباره‌ی شورمندی، به طور صریح، بیان‌گر عقل ستیزی وی در رابطه با مسئله عقل و دین است. همچنین اگر بتوان در دلیل چهارم خدشه کرد، هرگز نمی‌توان در این دلیل خدشه وارد کرد، زیرا وی معتقد است که شورمندی با یقین واقعی آفاقی مخالف و متضاد است. از طرفی شورمندی، رکن اصلی دین و ایمان به شمار می‌آید (همان، ص ۷۰). لذا معتقد است که هر جا دین هست یا دین باید باشد، تنها و تنها می‌بایست شورمندی باشد نه عقل و تعقل آفاقی که برای ما یقین به بار بیاورد، زیرا یقین آفاقی و عقلی، در اثبات حقانیت دین، هیچ دخلی ندارد و تنها ملاک، شورمندی است که این که وی با این



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



قابل دفاع عقلانی نمی‌داند. اما اگر از جهت عقلی اثبات پذیر دانست، در این جا نیز می‌تواند از دین دفاع عقلانی نماید و به همین دلیل، کی‌یرکگور در مرحله‌ی دفاع از دین نیز، عقل ستیز به شمار می‌رود و ادله‌ای که در مرحله‌ی اثبات دین برای عقل ستیزی کی‌یرکگور ذکر شد، در این مرحله نیز قابل تطبیق هستند. به علاوه این که وی به قابل دفاع نبودن مسیحیت، تصریح کرده و گفته است: «این‌جاست که کافری و دینداری، مفاهیمی مساوی دارند. این‌جاست که مدافع مسیحیت، خود یهودای دیگری است. بی‌تردید دفاع از دین به این صورت مفتضح، سلب اعتبار تام و تمام از آن است. تنها دفاعی که در خور شأن مسیحیت است دفاعی است که حواریون عهده‌دار آن شده بودند؛ سعی آن‌ها بر این بود که نشان دهند، کوشش عقل بوالفضول انسانی در بیان حقیقت و حقانیت مسیحیت تا چه اندازه بی‌پایه و بی‌اعتبار است» (مستعان، ۱۳۸۶، ۷۳)

### نتیجه گیری

کی‌یرکگور با پایه‌ریزی مبانی اگزیستانس، تفکرات را به سوی وجود خاص انسانی، هست بودن و مواجهه وجودی با امور، سوق داده است. همچنین در آثار متعدد خویش درباره دین، از این منظر بحث می‌کند که چگونه می‌توان دیندار شد و با خدا رابطه‌ی وجودی برقرار کرد.

وی دین را به عنوان یک نظام نمی‌پذیرد بلکه دین را رابطه‌ای تن به تن با خدا می‌داند که با عقل و تحقیقات آفاقی به دست نمی‌آید بلکه با سیر انفسی و درونی حاصل می‌گردد. به نظر کی‌یرکگور شورمندی، مقارنت با درد و رنج، خطر و دشواری اساس دین و ایمان هستند لذا دین را نمی‌توان با عقل و استدلال عقلی اثبات کرد یا تبیین عقلانی نمود یا این‌که از گزاره‌های آن دفاع و توجیه عقلی ارائه داد.



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

### منابع فارسی

۱. پترسون، مایکل، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چاپ ششم، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۸.
۲. جعفری، محمد، عقل و دین از منظر روشنفکران، چاپ اول، قم، انتشارات صهبای یقین، ۱۳۸۶.
۳. وال، ژان - ورنو، روژه، پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن، ترجمه یحیی مهدوی، چاپ دوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۷.
۴. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه داریوش آشوری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
۵. مستعان، مهتاب، کی‌یرکگور متفکر عارف پیشه، چاپ اول، اصفهان، نشر پرسش، ۱۳۸۶.
۶. هابن، ویلیام، پیام آوران عصر ما، ترجمه عبدالعلی دستغیب، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر سپهر، ۱۳۴۸.
۷. پوستینی، خلیل، کی‌یرکگور و ایمان گروی، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰.
۸. اکبری، رضا، ایمان گروی، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۶.
۹. فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، چاپ دوم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۷.
۱۰. پورمحمدی، نعیمه، ایمان و اخلاق، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰.
۱۱. کی‌یرکگور، سورن، ترس ولرز، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، چاپ نهم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.
۱۲. جینیس ال، دایا، سه آستانه نشین، ترجمه رضا رضایی، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹.
۱۳. فریتیهوف، برانت، کی‌یرکگور زندگی و آثار، چاپ دوم، اصفهان، نشر پرسش، 1382.
۱۴. آندرسن، سوزان لی، فلسفه کی‌یرکگور، مترجم، خشایار دیهیمی، چاپ دوم، تهران، طرح نو، ۱۳۸۵.
۱۵. صادقی، هادی، درآمدی بر کلام جدید، چاپ اول، قم، کتاب طه و نشر معارف، ۱۳۸۳.
۱۶. وال، ژان، اندیشه هستی، ترجمه باقر پرهام، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷.

### مقالات:

۱۷. مری هیو آدامز، رابرت، ادله کی‌یرکگور بر ضد استدلال آفاقی در دین، ترجمه مصطفی ملکیان، نشریه فلسفه و کلام، فصلنامه نقد و نظر، تابستان و پاییز ۱۳۷۴، شماره ۳ و ۴.
۱۸. کی‌یرکگور، سورن، آنفسی بودن حقیقت، ترجمه مصطفی ملکیان، نشریه فلسفه و کلام، نقد و نظر، تابستان و پاییز ۱۳۷۴، شماره ۳ و ۴.
۱۹. لگنهاوزن، محمد، ایمان گرایی، ترجمه سید محمود موسوی، مجله نقد و نظر، پائیز ۱۳۷۴، شماره ۳ و ۴.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني